

اعلامیه اسلامی حقوق بشر

مصوب 14 محرم 1411 قمری

(مطابق با 5 اگست 1990 میلادی و 15 اسد 1369 شمسی)

اجلاس وزرای امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در قاهره

یا ایها ناس انا خلقناکم منت ذکر انشی و جعلناکم شعوبا و قبایل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقاکم (قران کریم)

دولتهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی با ایمان به الله پروردگار جهانیان و آفریدگار کائنات و بخشنده نعمتها، خداوندی که انسان را به بهترین وجه آفریده و به او حیثیت داده و وی را خلیفه خود در زمین گردانده، خداوندی که آبادانی و اصلاح زمین را بر عهده بشر گذارده و امانت (تکالیف الهی) را بر گردن او نهاده و آنچه در آسمانها و زمین است همگی را تحت تصرف وی قرار داده و با تصدیق رسالت حضرت محمد (ص) که خداوندایشان را برای هدایت با آئین راستین فرستاده و وی را رحمتی برای جهانیان، نجات بخش برده گان و شکننده طغوت ها و مستکبران گردانیده است. پیامبرن که برابری را میان همه بشریت اعلام نموده و هیچ اولیتی برای کسی بر دیگری جز در تقوی قابل نشده، فاصله ها و اکراه را از میان مردم بر چیده، مردمی که خداوند آنانرا از روح و واحد آفریده است. و با در نظر گرفتن عقیده توحید ناب که ساختار اسلام بر پایه آن استوار شده است، عقیده ای که بشریت را فرا خواند تا جز خدا کسی را پرستش نکرده و شریکی برای او قایل نشوند واحدی را بعنوان خدا به جای الله نگیرند، عقیده ای که پایه راستین آزادی مسؤلانه بشریت و حیثیت آنان را پی ریزی کرده و رهایی انسان از برده گی را اعلان نموده است.

و برای تحقیق آن چیز های که در شریعت جاویدان اسلامی آمده است از جمله پاسداری از دین، جان، خرد، ناموس، مال، نسل و دیگر امتیازات چون جامعیت و میانه روی در کلیه مواضع و احکام، این شریعت معنویات و ماده را با هم در آمیخت و عقل و قلب را هماهنگ ساخت و میان حقوق و وظایف موازنه به وجود دارد و بین حرمت فرد و مصلحت عمومی تلفیقاتی به وجود آورد و معیار های قسط رامیان طرفهای ذیربط بر قرار کرد تا این که نه طغیانی باشد و نه زیانی.

ضمن تأکید بر نقش تاریخی امت اسلامی در پیشرفت تمدن (آن امتی که خداوند آنرا بهترین امت بر گزید) تا یک تمدن جهانی همگون را به بشریت تقدیم نماید. تمدنی که می تواند دنیا را به آخرت ربط داده و علم و ایمان را بهم پیوندد. لذا از چنین امتی امروزه انتظار می رود که به هدایت بشریت گمراه در امواج رقابت مسلک های متضاد قدم نهاده و راه حل های برای مشکلات مزمن تمدن مادی ارایه دهد.

و به جهت ایفای سهم خود در تلاشهای بشری که مربوط به حقوق بشر است، حقوقی که هدفش حمایت بشر در مقابل بهره کشی و ظلم بوده و تأکید بر آزادی و حقوق او در حیات شرافتمندانه ای که با شریعت اسلامی هماهنگ است با اعتقاد به این که بشریتی که به بالاترین درجات علم مادی رسیده است، پیوسته و در هر زمان نیازمند تیکه گاهی ایمانی جهت پاسداری از تمدن خود و عامل حمایت کننده از حقوق خویش می باشد همنوا شود.

و با ایمان به این که حقوق اساسی و آزادیهای عمومی در اسلامی جزئی از دین مسلمین است . پس هیچ احدی به طور اصولی حق متوقف کردن کلی یا جزئی یا زیر پا نهادن یا چشم پوشی کردن از احکام الهی ، تکلیف که خداوند از راه کتابهای خود نازل نموده و خاتم پیامبرانش را فرستاده و به وسیله او پایان و اختتامی برای رسالت آسمانی بعمل آورده است را ندارد. بنابر این مراعات آنها عبادت است و کوتاهی از آنها یا تجاوز بر آنها منکر است و هر انسانی بطور منفرد، مسؤول پاسداری و اجرای آن است و امت بگونه ای هماهنگ در تضمین (مشترک) در قبال آن، مسؤولیت دارد. بدین جهت، دولتهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی بر این اساس ، مواد زیر را اعلام می نمایند.

ماده یک:

الف - بشر بطور کلی یک خانواده میباشد که بندگی نسبت به خداوند و فرزندى نسبت به آدم آنها را گرد آورده و همه مردم در اصل شرافت انسانی و تکلیف و مسؤولیت بدون هر گونه تبعیضی از لحاظ نژادی، یارنگ یا زبان یا جنس یا اعتقاد دینی یا وابستگی سیاسی یا وضع اجتماعی و... برابر اند. ضمناً عقیده صحیح، تنها تضمین برای رشد این شرافت از راه تکامل انسان میباشد.

ب - همه مخلوقات به منزله عایله، خداوند هستند و محبوبترین آنان نزد خدا سودمندترین آنان به همنون خود است. و هیچ احدی بر دیگری برتری ندارد مگر در تقوی و کار نیکو.

ماده دوم:

الف: زندگی موهبتی است الهی و حقی است که برای هر انسان تضمین شده است، و بر همه افراد و جوامع حکومتها واجب است که از این حقوق حمایت نموده و در مقابل هر تجاوزی علیه آن ایستادگی کنند و جایز نیست کشتن هیچ کس بدون مجوز شرعی.

ب - استفاده از وسیله ای که منجر به از بین بردن سرچشمه بشریت بطور کلی یا جزئی گردد، ممنوع است.

ج - پاسداری از ادامه زنده گی بشریت تا هر جایکه خداوند مشیت نماید، وظیفه شرعی می باشد.

د - حرمت جنازه انسان باید حفظ شود و بی احترامی به آن جایز نیست کما این که جایز نیست لمس کردن آن مگر با مجوز شرعی. و بر دولت است حمایت از این امر.

ماده سوم :

الف : در صورت به کار گیری زور یا کشمکش های مسلحانه نباید آنانی را که در آن مشارکتی نداشته اند همچون پیر مردان و زنان و کودکان، را کشت وهر مجروح و بیماری حق خوراک و پناهگاه و لباس دارند. و مثله کردن مقتولین ممنوع است و باید اسرار را مبادله و فیما بین خانواده های که اوضاع جنگ باعث جدایی آنان شده است، دیدارهای بعمل آید.

ب - قطع درختان یا از بین زراعت و دامها یا تخریب ساختمانها و مؤسسات کشوری در اثر خصومت به وسیله بمباران یا موشک باران و غیره جایز نمی باشد.

ماده چهارم:

هر انسان حرمتی دارد و میتواند از شهرت خود در زنده گی یا پس از مرگ پاسداری نماید و دولت و جامعه موظف است که از پیکر و مدفن او پاسداری کنند.

ماده پنجم:

الف : خانواده، پایه ساختار جامعه است و زنا شویی اساس ایجاد آن می باشد بنابراین مردان و زنان حق ازدواج دارند و هیچ قید و بندی که بر پایه نژاد یا رنگ یا قومیت باشد، نمیتواند از این حق جلو گیری کند.
ب - جامعه و دولت موظف است موانع را از سر راه ازدواج بر داشته و راهای آنرا آسان و از خانواده حمایت
تعمل آورد.

ماده ششم:

الف - در حیثیت انسانی، زن با مرد است و به همان اندازه که زن وظایفی دارد از حقوق نیز بر خوردار است
و دارای شخصیت مدنی و ذمه مالی مستقل و حق حفظ نام خویش را دارد.

ب - بار نفقه خانواده و مسؤلیت نگهداری آن از وظایف مرد میباشد.

ماده هفتم:

الف - هر کودکی از زمان تولد، حقی بر گردن والدین خویش و جامعه و دولت، در محافظت دوران طفولیت و
تربیت نمودن و تأمین مادی و بهداشتی و ادبی دارد. در ضمن باید از جنین و مادر نگهداری شود و مراقبتهای
ویژه نسبت به آنها مبذول شود.

ب - پدران و کسانی که از نظر قانون شرعی به منزله پدران اند، حق انتخاب نوع تربیتی را که برای فرزندان
خود میخواهند با مراعات منافع و آینده آنان در پرتو ارزشهای اخلاقی و احکام شرعی دارند.

ج - بر طبق احکام شرع فرزندان نسبت به والدین خود و اقوام نسبت به اقوام خود حقوقی بر گردن دارند.

ماده هشتم:

هر انسانی از لحاظ الزام و التزام از یک شخصیت شرعی بر خوردار است و اگر این شخصیت از بین رفت یا
مخدوش گردید، قیم جای او رامی گیرد.

ماده نهم:

الف - طلب علم یک فریضه است و آموزش یک امر واجب است بر جامعه و دولت، و بر دولت لازم است که
رها و وسایل آن را فراهم نموده و متنوع بودن آنرا گونه ای که مصلحت جامعه را بر آورد، تأمین نماید و به
انسان فرصت دهد که نسبت به دین اسلام و حقایق هستی معرفت حاصل کند و آنرا برای خیر بشریت به
کار گیرد.

ب - حق هر انسانی است که موسسات تربیتی و توجیهی مختلف از خانواده و مدرسه و دانشگاه گرفته تا
دستگاه های تبلیغاتی و غیره که کوشش در جهت پرورش دینی و دنیوی انسان می نماید، برای تربیت کامل
و متوازن او تلاش کند و شخصیتش را پرورش دهد بگونه ای که ایمانش به خدا و احترامش به حقوق و
وظایف آن فراهم شود.

ماده دهم:

اسلام دین فطرت است، و به کار گرفتن هر گونه اکراه نسبت به انسان یا بهره بر داری از فقر یا جهل انسان
جهت تغییر این دین به دینی دیگر یا به الحاد جایز نمی باشد.

ماده یازدهم:

الف - انسان آزاد متولد میشود و هیچ احدی حق به برده گی کشیدن یا ذلیل کردن یا مقهور کردن یا بهره
کشیدن یا به بنده گی کشیدن او را ندارد، مگر خدای تعالی.

ب - استعمار به انواع گوناگونش و به اعتبار این که بدترین نوع بردگی است شدیداً تحریم میشود و ملت‌هایی که از آن رنج می‌کشند حق دارند از آن رهایی یافته و سرنوشت خویش را تعیین کنند. همه دول و ملل نیز موظف اند از این گروه در مبارزه علیه نابودی هر نوع استعمار و اشغال یاری نمایند. همه ملت‌ها نیز حق حفظ شخصیت مستقل و سلطه خود بر منابع و ثروتهای طبیعی را دارند.

ماده دوازدهم:

هر انسانی بر طبق شریعت حق انتقال و انتخاب مکان برای اقامت در داخل یا خارج کشورش را دارد و در صورت تحت ظلم قرار گرفتن میتواند به کشور دیگری پناهنده شود. و بر آن کشور پناهنده واجب است که با او مدارا کند، تا این که پناهندگی برایش فراهم شود. با این شرط که علت پناهنده گی بخاطر ارتکاب جرم طبق نظر شرع نباشد.

ماده سیزدهم:

کار حقی است که باید دولت و جامعه هرکسی که قادر به آن است، تضمین کند. و هر انسانی آزادی انتخاب کار شایسته را دارد به گونه ای که هم مصلحت خود وهم مصلحت جامعه برآورده شود. هر کارگری حق دارد از امنیت و سلامت و دیگر تامين های اجتماعی بر خوردار باشد و نباید او را به کاری که توانش را ندارد واداشت یا او را به کاری اکراه نمود یا از او بهره‌کشی کرد یا به او زیان رساند و هر کارگری بدون فرق میان مرد و زن، حق دارد که مزد عادلانه در مقابل کاری که ارایه میکند سریعاً دریافت نماید و نیز حق استاده از مرخصی ها و پاداشها و ترفیعات استحقاقی را دارد و در عین حال موظف است که در کار خود اخلاص و درستکاری داشته باشد و اگر کارگران با کار فرمایان اختلاف پیدا کردند دولت موظف است برای حل این اختلاف واز بین بردن ظلم و اعاده حق و پای بندی به عدل بدون این که به نفع طرفی عدول کند، دخالت نماید .

ماده چهاردهم:

انسان حق دارد کسب مشروع بکند، بدون احتکار و فریب یا زیان رساندن به خود یا دیگران. وریا شدیداً ممنوع میباشد.

ماده پانزدهم:

الف - هر انسانی حق مالک شدن از راهای شرعی را دارد و میتواند از حقوق مالکیت بگونه ای که به خود و یا دیگران ویا جامعه ضرر نرساند، بر خوردار باشد و نمیتوان مالکیت را از کسی سلب کرد مگر بنا بر ضرورت حفظ منافع عمومی و در مقابل پرداخت غرامت فوری و عادلانه.

ب - مصادره اموال و ضبط آنها ممنوع است مگر به طبق احکام شرع.

ماده شانزدهم:

الف - هر انسانی حق دارد از ثمره دست آوردهای عملی یا ادبی یا هنری یا تکنولوژیکی خود سود ببرد و حق دارد از منافع ادبی و مالی حاصله از آن حمایت نماید، مشروط بر این که آن دست آورد (اثر) مغایر با احکام شریعت نباشد.

ماده هفدهم:

الف - هر انسانی حق دارد که در یک محیط پاک از مفاسد و بیماری های اخلاقی بگونه ای که بتواند در آن خود را از لحاظ معنوی بسازد، زندگی کند، جامعه و دولت موظف اند این حق را برای او فراهم کنند.
ب - دولت و جامعه موظف اند که برای هر انسانی تأمین بهداشتی و اجتماعی را از طریق ایجاد مراکز عمومی مورد نیاز بر حسب امکانات موجود، فراهم نمایند.

ج - دولت مکلف است حق هر انسانی را در زنده گی شرافتمندانه ای که بتواند از طریق مایه احتیاج خود و خانواده اش را بر آورده سازد و شامل خوراک و پوشاک و مسکن و آموزش و درمان و سایر نیازهای اساسی میشود تضمین نماید.
ماده هژدهم:

الف - هر انسانی حق دارد که نسبت به جان و دین و خانواده و ناموس و مال خویش، در آسوده گی زنده کند.

ب - هر انسانی حق دارد که در امور زنده گی خصوصی خود (در مسکن و خانواده و مال و ارتباطات) استقلال داشته باشد و جاسوسی یا نظارت بر او با مخدوش کردن حیثیت او جایز نیست و باید از او در مقابل هر گونه دخالت زور گویانه در این شؤن حمایت شود.
ج - مسکن در هر حالی حرمت دارد و نباید بدون اجازه ساکنین آن یا بصورت غیر مشروع وارد آن شد و نباید آنرا خراب یا مصادره کرد یا ساکنین اش را آواره نمود.
ماده نهم:

الف - مردم در برابر شرع مساوی هستند. در این امر حاکم و محکوم نیز باهم برابرند.

ب - مراجعه و پناه بردن به دادگاه حقی است که برای همه تضمین شده است.

ج - مسؤلیت در اصل شخصی است.

د - هیچ جرمی یا مجازاتی نیست مگر به موجب احکام شریعت.

ه - متهم، بیگناه است که تا این که محکومیتش از راه محاکمه عادلانه ای که همه تضمینها برای دفاع از او فراهم باشد ثابت گردد .

ماده بیستم:

دستگیری یا محدود ساختن آزادی یا تبعید یا مجازات هر انسان جایز نیست مگر به مقتضای شرع و نباید او را شکنجه بدنی یا روحی کرد یا با او بگونه ای حقارت آمیز یا سخت، یا منافی حیثیت انسانی، رفتار کرد. همچنین اجبار هر فردی برای آزمایشات پزشکی یا عملی جایز نیست مگر با رضایت وی مشروط بر این که سلامتی وزنده گی او به مخاطره نیفتد. همچنین تدوین قوانین استثنایی که به قوه اجرائیه چنین اجازه ای را بدهد، نیز جایز نمیباشد.

ماده بیست و یکم:

گروگان گیری به هر شکلی و بخاطر هر هدفی ممنوع است.

ماده بیست و دوم:

الف - هر انسان حق دارد که نظر خود را به شکلی که مغایر با اصول شرعی نباشد آزدانه بیان دارد.

ب - هر انسان حق دارد برای خیر و نهی از منکر بر طبق ضوابط شریعت اسلامی دعوت کند.

ج - تبلیغات یک ضرورت حیاتی برای جامعه است و سوءاستعمال آن و حمله به مقدسات و کرامت انبیا، یا به کارگیری هر چیزی که منجر به ایجاد اختلال در ارزشها یا متشدد شدن جامعه یا زیان یا متلاشی شدن اعتقاد شود، ممنوع است.

د - برانگیختن احساسات قومی یا مذهبی و یا هر چیزی که منجر به برانگیختن هر نوع حس تبعیض نژادی گردد جایز نیست.

ماده بیست و سوم:

الف - ولایت امانتی است که استبداد یا سوء استفاده از آن شدیداً ممنوع میباشد، زیرا که حقوق اساسی از این راه تضمین میشود.

ب - هر انسانی حق دارد در اداره امور عمومی کشور خود بطور مستقیم یا غیر مستقیم شرکت نماید. همچنین او میتواند پستهای عمومی را بر طبق احکام شریعت متصدی شود.

ماده بیست و چهارم:

کلیه حقوق و آزادیهای مذکور در این سند، مشروط به مطابقت با احکام شریعت اسلامی میباشد.

ماده بیست و پنجم:

شریعت اسلامی تنها مرجع برای تفسیر یا توضیح هر ماده از مواد این اعلامیه میباشد.